

صوت مکتوب بر آید

نارنگه
شیراز در بند بر بند

بسم الله الرحمن الرحیم

قبله محترم دام غمگانه تلاوت آیات کریمه را غزوه و با چای بسیار عجب است

که اهل بیت تابع احوال مردم و هوای نفس شوند لاجل اتباع حکم دین

من حیث الاعلان اگر چه از ذریقه اهل علم دور است و در مقامی که مخاطب
 ایشان در راه با علم رافع و محظوظ است شما نماید اورا جواب واجب
 فرمایند ولی از آنجا بنگاه در مقام عبودیت و انتم میسر غیر طریقه اهل
 حکمت میشود حکم صاحب این امر از دور مرحله خارج نیست با حق
 است فطوری این ابتداء با باطل تا لویل از عرفه واجب و مشک نیست
 از برای هر حق و باطل خداوند عالم علامت معین فرموده که با
 غیر داده شود و این علامت تصدیق و تکذیب ناسخ خواهد بود و در
 اهل علامت خبر است قوی و لکن امر در غیر حدود از برای کافر و مردم است
 صعب و بفره نسی و اجلیت که بنفسه نیز حق از باطل را نماید بعد از آن
 این مقدمه بشریه نیست که هر گاه کسی امروز او عالم براری نماید که
 باعث بر آنرا جزئی از ضروریات دین نباشد با حجه و اینه بکل عالم
 فرض است تصدیق حکم او نمایند و بر اجماع مذاهب مابینه هر یک با امروز
 حکم

حکم از امام زمان علیه السلام صادر میشود و کل اعراض نمایند که فرستند
 زیرا که مناط دین عمل صوم و صلوات نیست بلکه اقباع حکم صادره آن خود
 ایشان است و بیتر پایه نیست که اکثر مردم در مقام اضل از انعام واقع
 هستند بلکه مؤمن خالص یعنی حدیث اهل اکبریت است و در این سنه
 در علاج که خدا میداند عدد او را سه نفر در صحیفه امام عدل مکتوب شد
 که حکم آن را در خط بغداد نوشته سایر اعمال مردم را هم مثل این فرض نمایند
 و تعجب فرمایند که ارجح واقع و اعظم از این است و اکثر هلاک هستند
 الا من شاء الله ان یرزق غفور مجید از قوت رحمت سدید مثل سید
 و همایون طاقه ایشان لابد است که در هر عصر می باشد و حذایت از این
 فتنه خارج نشد مگر همان فزاه از اضی مقدس سرجت نموده و ایشان
 در کتاب امام حقا شریف خلق مکتوبند با وجود اینکه بر سبیل ناک
 کسی اعتنای بدیشان ندارد و مردم از ذکر این فزاه حذایت

که در شجره عالم باشند حال مردم از کسیکه مدعی اریست شجره نبوی است
 چه شجره ابناء عظیم تر است که در بیج خداوند عالم کسی ظاهر نماید
 بلسان قرآن که اگر جمیع اهل ارض جمع شوند نتوانند حرف از کلمات
 او را بگویند چه جای آنکه بتوانند ابناء عظیم نمایند حالا تا آنچه
 ظاهر شده چشم پوشیده سوره که در همین و در قرآن آمده که کفایت
 میکند در شجره بودن آن اهل ارض را هر گاه کل قرآن سوره بقیت
 بود آیا کسی را برسد که بگوید شجره نبوت خاتم افراط بلکه در شجره نبوی
 این سوره معادل با حکم قرآن و شجره جمیع ابناء ائمه و صلواتی بود تا
 بقولیه اش که ^{تو} انت بدان این کوی صاحبی تو امر علی اجتماع
 نوره کوی خود را بیدار آورد انوقت صلواتی شد و الله بلند کرد
 شد خود دنیا چیست قرآن خوانده ابد بقدر تلاوت طبعی نیز پیدا
 بشود خداوند تکمیل ظاهر بود این است که اگر جمیع اهل ارض جمع شوند
 با یک

باینکه يك ابر بیاورند عاجز خواهند شد اگر هم چیزی بیارند کلمات
 سرورتر خواهد بود زیرا این است که بر لسان ایشان بر فطرت جاری شود
 چنانچه در صلوات بر ائمه اطهار و اعراب او عا غوفند و آخر و سبیه
 و غزل بشنند حقیق شرح سوره یوسف را در چهل روز که هر روز بیست
 از آن می‌نویسند تمام نمود و هر وقت بخوانند هر چه بنویسند روح الله
 مؤید است مثل صحیفه که در ستاد یک شبانه روز منتهی نوشتند
 هر کس از عالم مدعی است بسم الله چنانچه آنجا سبیه که مشاهده
 نوشتن را بخوره اند فایده سیده اند که چنانچه امری تا حال از احد
 علماء ظاهر نشده بعد از کتاب حجره خداوند بر کل عالم تمام است
 و اشخاصی که افزاء بر امام خود می‌زنند که آیات و صحیفه ما خود
 از کتاب الله و او غیر است جزاء ایشان با خداوند است از روی
 که این امر ظاهر شده عمل کل خلق باطل است الا بعد از تصدیق

و این حکم خداوند است هر کسی میخواهد تصدیق کند از برای خورش است
 هر کسی هم تکلیف کند عقوبت مجوزش میرسد اگر چه مرادم از این نظر
 اینست که از مجرا اضطراب هوا خارج شده بر کو سکوایه مستقر گردند
 کلیه اهل بلد را اول قابل ندیدم اظهار کنم بلکه بیخ است که بر علم
 چنین امری غیر اختصاصی که قابل هستند دارند شوند الا در حکم بلد
 مثل قبل است هر کس را تصدیق از تبعیته بلکه است انجاء از انرا نمود
 تا باین حال حکم از لقی بود و از آنکه بر لسان او حکم شجره لوی حاکم
 شود لایق نیست این قسم در مقام با عباد الله عباد الله نمایند بنی خدا
 و ندیکه لسان مرا با این علم حجت فرموده که کل خلق امروز در علم زدین
 مثل این قلم مجاد است که در بد من هست و غنیم از این مقام اظهار
 غر زب نیست بلکه هر فوی و بی تمیز میدهد که عالی جاه وصف کند
 خود را از برای رتبه مؤخر ظلم خود کرده زیرا که ان نمیتواند تمیز ام

علا را دهد بگمان کلمات اسم اول ملاحظه همی نزن خانات جنود سبباً
 با میفروم حال که ظاهراً شده حرفی با کسی نیست حجه نزو هر کس هست
 کسی هم قادر بر فهمیدن کلمات جفر نیست که مقصود قدری و حکم
 میان خلق باشد همچون قدر حظ علمای عجم است و حظ عوام تصدیق
 آنکه اشاره نمودند که مردم کلمات باطل میگویند ضربه میزنند
 اول در حق خداوند گفتند عزیز این الله دوم در حق رسول الله
 گفتند مثل آنچه در حق خیز گفتند از مجزوه و خداوند عالم بر او ایستاد
 فانه فرموده و ما هو الا ذک للعالمین کذاک در شان الاسلام الله
 علیم و این سنه سنه در میان عالم با است هر چه هم میخوانم
 فرار کنم چه هستند عالم مقرر فرموده هاجر هیچ و به خوبی از
 نداشتن باشید که مثل بلیت منکبوت هستند و هر چه خداوند عالم
 حاکم فرموده حیرت است و هر گاه لغوی بالله مردم بنای انکار کردند

محرم خواهند شد از امانت امام نور و حیرت ایشان بجائی
 نخواهد رسید این روز حکم این قیامه و استخا صلیت که در مقام
 طلب هستند و هرگاه خارج شوند امانه جوان تا جری که بودم
 هستم از اشارات مخفی مقابل تصور فرمایند که احتیاجی به
 تصدیق اول بلد با حضرت اهل ارض داشته باشم منتهی امر این است
 که هیچ تکلیف فرمایند همی قدر که زمانی گذشت کل ایام نازل
 از بدیعیر مثل ثراء خواهد شد و همه خلق ملاقات خواهند نمود
 و امروزت در حکم افضل و از ایشان سواست سلطان
 با اخص و عزیز در یک صیغ صقع است امر حق بخنده بر بار
 بنیت هر کس سبقت گرفت فایز شد و هر کس و ارف ما ند
 مؤمن ماند الیوم الیته و امروز بر کل حضرت امر حق است با غنة
 تمام سال ده ماه است شرح سوره پوسف در مباء خلق است
 و حیر

۱۷۸
 و حال آنکه مثل شمس در وسط السماء ظاهر است نزد اهل فهم نه
 حرفه اضل که از جانب جحش است که مردم در حال سوال
 فرج میکنند و هنوز احدی بک فخر درست تمام نگرفته است
 ان علم شراف علم چند چیزی که در ستاده بودند از پسران
 و یک روز رسپلا غلب ثلث و در بعضی مواضع تبدیل پانزده
 بلا صادق اخبار نمایند که بعضی آیات ان چون بلا علم واقع مبدل
 شده حجت نزد مردم ندارد اگر چه از برای مردم يك اینه صحیح
 ان کاینست و رفتاری که مردمست خودم است از آیات همانا بجز
 است ظاهر در پسران و نزد پهاون شاه گوده مثل ان سوره
 فرستاده باشند میکنند صحیفه از ادعیه برواشته شده
 الان در ورقه دعا بر استعمال نوشته که مضمون اسم و عبارتش
 در هیچ رعای نیست و نداده در هیچ کونلاوق نمایند که چه
 نیندند اگر عار و جبارند قدر عرق بگیرند فحشه هییه و غایلا

باب طلاجهان خط باحث بدهند بنوسند وکنی بقسمی که در جزوه
 هفت و هفت روزگی باشد یکو روزه این را در حجته کافیه است اهل ارض
 میگویند خبر مثل سوره رضوان که اغلب کلمات آن در قرآن
 نیست همین مطلب را علمائش هر گاه توانستند صیغه صحیح
 شود و برود که بهتر صیغه ام فرستاده باشند که میخوانند مداوم
 بتکرات آن نمایند و آنچه قطع در کافیه تو مر بسیار تمنا باشد
 وقت در حجته و اعراب هم اهل علم هستند غیر صیغه و با بر آسن
 خط باشد هر گاه به اشرفی و زیاده خرج آن شود مناسبتند نام
 در احایات امام زمان علیه السلام شان کلماتی مردود است آنچه ظاهر میشود
 اخوند ملا صادق در ضعف حرکت منماید این عمل منزه از این
 مقام نیست هیچ وقت با دعا بدهند فراتر نمایند تا بپای مستقر
 کردند و سواران و بره و دعای نوشته باشند نگاه دارند
 و مثل آن نوشته باشد بد و بهیتره نیز اسپد حسن فرستاده
 بهیتره

باشید و خط تلفظ را مطالعه عزمه جواب عفو ملاحظه و
 حضرت دین است و همی حکم حق است خداوند و اولیاء ان شاء
 هستند مسئله روایت از من نیست و ادعای روایت نکرده بل
 طریق اخذ حدیث من احبنا و زادنا حینا و اخلصنا معرفتنا الا
 اعزہ میباشند والسلام خیر الکلام والحمد لله رب العالمین
 هذا کتاب نقل علی انقضاء نداء حامل النافی نداء ابلیس
 من الارض کلامند
 هو لا و مثلها و غیره